

رگه‌های تصور اخلاقی پراگماتیستی^۱ در داستان پسامدرن:
بررسی دیدگاه‌های جان دیویی^۲ در قهرمانان مرزها اثر دیو اگرنز^۳
فاطمه اسمعیلی^۴، نرگس منتخبی بخت و^۵

چکیده

اگرچه در دو دهه‌ی اخیر شماری از منتقدین، فیلسوفان و نظریه‌پردازان جهش اخلاقی در رمان و نقد ادبی را تأیید می‌کنند، اما همچنان ماهیت و کم‌وکیف آن نامشخص است و نیاز به ارزیابی و تحلیلی ویژه دارد. از این رو، مقاله حاضر بر آن است تا چهارچوب جدیدی از اخلاق را که حاکی از گذر رمان از پسامدرنیسم به پسامدرنیسم است، ارزیابی نماید. بدین منظور، رمان قهرمانان مرزها (۲۰۱۶) اثر دیو اگرنز، نویسنده‌ی معاصر آمریکایی، بررسی می‌شود. در این رمان جهانی ترسیم می‌شود که در آن مردم با مشکلات دنیای پسامدرن مواجه می‌شوند: دنیایی در بند خودشیفتگی و مصرف‌گرایی. اما در ادامه‌ی روایت، گردشی شگرف به سمت اخلاقیات روی می‌دهد که تا به حال در رمان پسامدرن دیده نشده و نیاز به واکاوی دارد. از آن جا که این گردش اخلاقی غایت‌محور و تجربی است نویسندگان این مقاله برآن هستند در مطالعه‌ی حاضر، این رمان را از منظر دیدگاه‌های اخلاقی جان دیویی، از بنیانگذاران فلسفه‌ی اخلاق پراگماتیستی، بررسی نمایند. این مقاله نشان می‌دهد مفاهیم اخلاقی دیویی بر پایه‌ی «سنجش اخلاقی تجربه-محور»، «تصور»، «شرایط محیطی و اجتماعی» و اصل «بهبودگرایی» استوار است. همچنین، تصور اخلاقی دیویی می‌تواند پاسخ‌گوی تنگناهای اجتماعی و فردی در بستر جامعه‌ی پسامدرن باشد که منجر به تکامل اخلاقی، خوداصلاحی، بازسازی و ظهور امید در شخصیت‌های رمان می‌گردد. واژگان کلیدی: گردش اخلاقی، دیو اگرنز، فلسفه پراگماتیسم، تصور اخلاقی، تجربه، شرایط محیطی، بهبودگرایی

دوره هجدهم شماره ۲۷، پاییز و زمستان ۱۴۰۰

1. Pragmatic Moral Imagination

2. John Dewey

3. Dave Eggers

۴. فاطمه اسمعیلی، دانشجوی دکتری زبان و ادبیات انگلیسی، گروه زبان و ادبیات انگلیسی، دانشگاه آزاد

اسلامی، واحد تهران مرکزی، تهران، ایران

ایمیل: Fatemehesmacili92@gmail.com

۵. نرگس منتخبی بخت و، استادیار زبان و ادبیات انگلیسی، گروه زبان و ادبیات انگلیسی، دانشگاه آزاد

اسلامی، واحد تهران مرکزی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

ایمیل: nargesmontakhab@gmail.com

۱. مقدمه

شماری از فیلسوفان و نظریه پردازان نظیر السدیر مک‌این‌تایر^۱، تری ایگلتون^۲ و اندرو گیسیون^۳ بر این نکته اذعان دارند که اخیراً تمایل ویژه‌ای به سمت ابعاد اخلاقی در رمان به چشم می‌خورد. در همین راستا، گیسیون می‌گوید: «منتقدان رمان به آرامی به سوی نسخه‌ای از اخلاقیات انسان‌گرایانه که محتاطانه‌تر، بردبارانه‌تر، و به یقین آزادی‌خواه‌تر است، بازگشته‌اند» (۶). می‌توان گفت این گرایش با آثار ایمانوئل لوی‌ناس^۴ آغاز گردید و با نقد مارتا نوسبوم^۵ شکوفا شد. در این راستا، مهرداد بیدگلی و شمس‌الدین رویان‌یان می‌نویسند: «لوی‌ناس در آثار ادبی جهان حالتی تفسیرمآبانه از ضرورت اخلاقی را می‌بیند» (۶۱). در جهت تبیین ویژگی‌های اخلاقیات معاصر، مک‌این‌تایر خاطر نشان می‌کند که «آن‌چه در این نقطه نظر معاصر به منظور پایانی قطعی بر مباحثات منطقی است، استیناف به الگو یا مجموعه‌ای از الگوهای است که هیچ انسان منطقمداری نمی‌تواند اعتبار آن را زیر سؤال ببرد» (۱۷۲). علاوه بر آن، به‌تازگی در میان رمان‌های معاصر آمریکا، آثاری پدید آمده که به‌طور کامل در زمره‌ی رمان‌های پسامدرن با ابعاد و خصوصیات خاصش قرار نمی‌گیرد. گویا این آثار به گونه‌ای دل‌پذیر و یک‌پارچه ترکیب نوینی را به تصویر می‌کشند که قرار است به‌زودی به اوج شکوفایی خود برسد. به بیانی دیگر، در آثار گروهی از نویسندگان معاصر آمریکا، نظیر دیو اگرز، جان‌اتان فرنزن^۶، امی ام هومز^۷، باربارا کینگسولور^۸، نوعی گردش اخلاقی به‌نمایش گذاشته شده است. در مقاله‌ی حاضر یکی از آثار دیو اگرز (متولد ۱۹۷۰) با عنوان *قهرمانان مرزها* (۲۰۱۶) برای بحث و بررسی برگزیده شده است. اگرز از نویسندگان برجسته‌ی معاصر آمریکاست و موفقیت‌ها و جوایز متعددی در زمینه‌ی آثار ادبی کسب کرده است. مجله‌ی تایم در سال ۲۰۰۵ او را یکی از صد چهره‌ی تأثیرگذار آمریکا معرفی کرد که همواره می‌کوشد

1. Alasdair McIntyre
2. Terry Eagleton
3. Andrew Gibson
4. Emmanuel Levinas
5. Martha Nussbaum
6. Jonathan Franzen
7. Amy. M. Homes
8. Barbara Kingsolver
9. *Heroes of the Frontiers*

در نوشته‌هایش صدای نسل خود باشد و مشکلات اخلاقی جهان امروز، مسائل حقوق بشر و مشکلات دنیای تکنولوژی و دیجیتال را مطرح می‌کند. به‌طور کلی می‌توان گفت در این رمان، شخصیت اصلی داستان برای رسیدن به یک زندگی معنادار در تلاش است، اما نمی‌تواند با دیگران ارتباط عمیق و باثباتی برقرار کند و احساس پوچی فزاینده دارد و در زندگی خانوادگی و اجتماعی‌اش جدایی و از هم‌گسیختگی نمایان است. در این دنیا، تصاویر و روایات رسانه‌ها، جایگزین رفتارهای اجتماعی، مسئولیت، صلح و دوستی شده است. همان‌طور که نرگس منتخبی مطرح می‌کند، در هستی‌شناسی پسامدرن «انسان که عامل نقش‌پذیر و محصور در زمان و مکان است، در شناخت خود و دنیای پیرامونش ناتوان است» (۲۶۶). اما در ادامه‌ی روایت، تفاوتی شگرف رخ می‌دهد و آن رگه‌هایی از اخلاقیات است که باید مورد ارزیابی قرار گیرد. از این رو، هدف از این مقاله بررسی ماهیت این اخلاق نوین است که در رمان پسامدرنیستی قهرمانان ترسیم شده است. در این راستا، مفاهیم و سنجش‌های اخلاقی از منظر فلسفه‌ی پراگماتیستی و تصورات اخلاقی جان دیویی که اخلاق پسینی^۱، تجربی و عملگراست و بر موقعیت محیطی-اجتماعی تأکید دارد، بررسی می‌گردد.

۲. پیشینه‌ی پژوهش

در طول دو دهه‌ی اخیر، شماری از آثار فلسفی به امکان شناخت‌شناسی پراگماتیستی بر پایه‌ی اخلاقیاتِ موقعیت‌محورو تصورات اخلاقی پرداخته‌اند. رایان وایت^۲ در خدای پنهان: پراگماتیسم و پسانسان‌گرایی در تفکر آمریکایی^۳ (۲۰۱۵) بر این نکته تأکید دارد که فلسفه در آمریکا معمولاً از همتای اروپایی‌اش متفاوت است و علت آن را دوری جستن از شناخت‌شناسی^۴ می‌داند. پراگماتیسم از همراهی کردن فلسفه‌ی مدرن سر باز می‌زند و مرزهای فکری مبتنی بر تاریخ، موقعیت و بافتِ متن را در کنار تجربه، تمرین و ممارست مسلم می‌داند که نشان از قالب پسانسان‌گرایانه‌ی این نوع فلسفه است. انسان‌گرایی که هم‌گام با مدرنیته رشد پیدا کرد، مفهوم تازه‌ای از خویشتن را ارائه داد که ثبات و دستیابی به محیط بیرون را فراهم می‌آورد. اما از سوی دیگر، در پسانسان‌گرایی از

1. Posteriori

2. Ryan White

3. *The Hidden God: Pragmatism and Posthumanism in American Thought*

4. Epistemology

آنجا که مشاهدات همیشه مبنی بر شبکه‌ی پیچیده‌ای از ارتباطات، تکنولوژی و زبان است، وابستگی به احتمالات بیش از پیش می‌شود (۲۱-۲۰). بنابراین، خویشتن یک فرد از طریق تجربیات گذشته، حال و آینده‌ی او و از طریق ارتباطاتش با محیط شکل می‌گیرد. لری هیکمن^۱ در مجموعه کتاب‌های فلسفه‌ی آمریکا اثری با عنوان پراگماتیسم به مثابه‌ی پس‌پسامدرنیسم: درس‌هایی از جان دیویی^۲ (۲۰۰۷) ارائه داده که در آن به مقایسه‌ی فلسفه‌ی پراگماتیسم و پسامدرنیسم می‌پردازد و پراگماتیسم را شیوه‌ی نوین زندگی با راه‌حلهایی برای مواجهه با مشکلات جهان پسامدرن معرفی می‌کند. کریستوفر دن تنت^۳ در فصلی از کتاب و رای پسامدرنیسم: ارزیابی دوباره‌ی ادبیات، نظریه و فرهنگ^۴ با عنوان «تعهدات پراگماتیستی: رئالیسم پسامدرن در دان دلیلو، ماکسین هانگ کینگستون و جیمز روی»^۵ (۲۰۰۳) به واکاوی الزامات پراگماتیستی می‌پردازد. او با نقشه‌برداری شناختی آثار منتخب این نویسندگان به این نتیجه می‌رسد که شخصیت‌های اصلی فقدان و روان‌زخم را تحمل می‌کنند و در خلال چنین تلاش پراگماتیستی است که دنیای خود را می‌کاوند، دوباره به آن قالب می‌بخشند و در نهایت به سبکی رئالیستی از به‌هم‌پیوستگی اجتماعی دست می‌یابند (۱۲۳). بنابراین نویسندگان پراگماتیست، پسامدرنیسم را به عنوان «مصلحه‌ی ناخواسته‌ی دنیای معاملات نامعتبر با چشم‌اندازی ایده‌آل از واقعیتی فراگیر» (۱۲۴) تعریف می‌کنند. پراگماتیسم، پسامدرنیسم و آینده‌ی فلسفه^۶ (۲۰۰۲)، به قلم جان جی استوئر^۷ تلاشی است برای معرفی نمایی جدید از پراگماتیسم. در این کتاب مباحث پیرامون حقیقت، واکاوی شناخت‌شناسی، مفاهیم مرتبط با واقعیت، ارزش‌ها و الگوهای تفسیر خویشتن و جامعه از ویژگی‌های بارز پراگماتیسم برشمرده می‌شود، اما آنچه استوئر به آن توجه ویژه دارد و منجر می‌شود این فلسفه را برای عصر حاضر مناسب بداند، دو مورد در باب سرشت و تصورات است که عبارتند از «تکثرگرایی^۸ و بهبودگرایی^۹» (۱۹۹).

1. Larry Hickman

2. *Pragmatism as Post-Postmodernism: Lessons from John Dewey*

3. Christopher Den Tandt

4. *Beyond Postmodernism: Reassessments in Literature, Theory, and Culture*

5. "Pragmatic Commitments: Postmodern Realism in Don DeLillo, Maxine Hong Kingston, and James Ellroy"

6. *Pragmatism, Postmodernism and the Future of Philosophy*

7. John J. Stuhr

8. Pluralism

9. Meliorism

او با کاوش در این دو اصل، اهمیت پراگماتیسم را در عصر حاضر خاطر نشان می‌کند. در ادبیات فارسی هم مطالعات اندکی در باب پراگماتیسم صورت گرفته است که می‌توان به «پراگماتیسم در کلیله و دمنه» (۲۰۱۷) به اهتمام محمد آهی و فاطمه مهربانی اشاره کرد. این مقاله به پیشینه‌ی پراگماتیسم پرداخته و ریشه‌ی آن را در فلسفه‌ی یونان و فلسفه‌ی سودمندگرایی واکاوی می‌کند و سپس به بررسی شماری از مفاهیم کلیدی پراگماتیسم نظیر واقع‌گرایی، نسبی‌گرایی، تجربه‌گرایی، مصلحت‌گرایی، ابزارانگاری و نتیجه‌گرایی در کتاب کلیله و دمنه می‌پردازد. اعظم قاسمی و حمیدرضا آیت‌اللهی در «بررسی انتقادی دیدگاه‌های جان دیویی» (۲۰۰۷) به مطالعه‌ی مسأله‌ی نسبیت در فلسفه‌ی جان دیویی می‌پردازند. آن‌ها مشکل اصلی فلسفه‌ی دیویی را در این می‌دانند که در «رویکرد پراگماتیستی شرایط تضمین احکام ارزشی در رفتار بشر ریشه دارد و نه در یک وجه پیشین مثل فرمان الهی یا صور افلاطونی و یا عقل محض» (۳). بیشتر مطالعات بر روی آثار اگرز معطوف به رمان حالاً می‌بینید چه سرعتی داریم^۱ (۲۰۰۲) و دایره^۲ (۲۰۱۳) بوده است و در باب رمان قهرمانان مرزها تنها چند خلاصه یا مرور در مجلات و روزنامه‌های معتبر وجود دارد که در طول متن به آن‌ها اشاره می‌شود. البته باید توجه داشت منابعی که نوشته‌های اگرز را نقد و بررسی می‌کند همگی به جلوه‌ای از مسائل اخلاقی که به‌طور مستقیم یا استعاری در آثار اگرز نمود دارد می‌پردازد. برای مثال، ویرجینیا پیگ ننگولی^۳ در «نظارت در داستان‌های پسامدرن آمریکایی: دایره اثر دیو اگرز، پاکی اثر جاناتان فرنزن و داستان عشقی واقعی و ناراحت‌کننده اثر گری اشتانهارت» (۲۰۱۷) به تحلیل ادبیات معاصر آمریکا می‌پردازد که در واقع پاسخی به قدرت فزاینده‌ی تکنولوژی دیجیتال است که منجر به شکل‌گیری اجتماعی شده است که در آن شفافیت هم‌معنی نظارت تلقی می‌شود. هر سه رمان از دیدگاه وی اخطار اخلاقی آشکاری را در خود جای داده است (۱۶۳). شان بکس^۴ در مقاله‌ی خود با عنوان «خصوصی‌سازی جهان: دیو اگرز درباره‌ی حقوق بشر می‌نویسد» (۲۰۱۶) به بررسی رمان حالاً می‌بینید چه سرعتی داریم و داستان کوتاه «بالای کوه و آهسته پایین آمدن»^۵ می‌پردازد. در این مقاله، او از انتزاعی بودن حقوق

1. *You Shall Know Our Velocity*

2. *The Circle*

3. Virginia Pignagnoli

4. Sean Bex

5. "Up the Mountain Coming down Slowly"

جهانی سخن می‌گوید و دلیل آن را تأثیر وعده‌ی عام‌گرایی در مواجهه با خصوصیات فرهنگ‌های فردی می‌داند (۷۹). او معتقد است داستان‌های اگرز محدودیت‌های ترویج حقوق بشر بر مبنای انسانیت مشترک و ذاتی را نشان می‌دهد. بکس همچنین امکان برقراری ارتباط معنادار و متقابل فرهنگی را از خلال بافت گفتمانی متفکرانی نظیر کویم آنتونی آپیا^۱ و یورگن هابرماس^۲ می‌سنجد. جیمز کلمنتس^۳ در مقاله‌ی «به سازنده‌ی چیزهای اعتماد کن: پیمان‌نامه‌ی استعاری در حالا می‌بینی چه سرعتی داریم اثر دیو اگرز» (۲۰۱۵) تأکید می‌ورزد که اگرز از خواننده‌ی اثر دعوت می‌کند تا از طریق بافت اجتماعی به یک پیمان‌نامه‌ی استعاری بپیوندد. در واقع، اگرز از مخاطب دعوت می‌کند تا با در نظر گرفتن متن به‌عنوان کنش نویسنده به‌جای یک رخداد یا ابژه موافقت کند و برطبق این پیمان، اهمیت اخلاقی جدیدی به متن و ارتباط بین نویسنده و مخاطب اعطاء می‌شود (۱۲۱). همان‌طور که ذکر شد مسأله‌ی اخلاق از دل مشغولی‌های اصلی اگرز محسوب می‌شود و دغدغه‌ی اصلی او (در مصاحبه‌ای با تانو وکفیلد^۴ در اکتبر ۲۰۱۴) این است که چطور انسان می‌تواند با جستجوی تجربیات جدید خود را باز سازد. مقاله‌ی حاضر بخشی از رساله‌ی دکتری فاطمه اسماعیلی با عنوان تخیل اخلاقی آمریکایی: بررسی پراگماتیستی رمان‌های معاصر آمریکا (از ۲۰۰۰ تا دهه‌ی ۲۰۱۰) است که گردش اخلاقی رمان‌های معاصر آمریکا از جمله قهرمانان اگرز را پراگماتیستی می‌داند و به بررسی چهارچوب‌ها و دستاوردهای آن می‌پردازد.

۳. نظریه‌پردازی و روش‌شناسی

جان دیویی (۱۸۱۵-۱۹۵۲) فیلسوف، روان‌شناس و منتقد اجتماعی-سیاسی از بنیانگذاران فلسفه‌ی پراگماتیسم در آمریکا است و نظریات وی در باره اخلاق پراگماتیستی، اساس مفاهیم اخلاقی در این فلسفه را شکل می‌دهد. حتی نئوپراگماتیسم ریچارد رورتی^۵ (۱۹۳۱-۲۰۰۷) نیز کاملاً بر پایه‌ی نظریات دیویی بنا نهاده شده است. همان‌طور که در پیشینه‌ی پژوهش اشاره شد، در دهه‌های اخیر گرایش چشم‌گیر به پراگماتیسم دیویی

1. Anthony Appiah
2. Jürgen Habermas
3. James Clements
4. Tanu Wakefield
5. Richard Rorty

مشاهده شده است و از این رو، در این پژوهش از دیدگاه‌های دیویی برای واکاوی اخلاق پساپسامدرن سود جسته ایم. اگرچه در نگاه گروهی از منتقدین، فلسفه‌ی دیویی دیگر کارساز نیست و نظریه‌پردازان لیبرال موافق نفی اصول اخلاقی مطلق در آن نیستند و این نوع فلسفه را بسیار نسبی‌گرایانه می‌دانند، باید این نکته را خاطر نشان کرد که در اندیشه‌ی دیویی ارزش‌های اخلاقی به این دلیل ارزشمند تلقی می‌شوند که «اسباب سنجش اخلاقی را در موارد فردی فراهم می‌آورند» (۱۷۶ *Reconstruction*). در واقع می‌توان دیویی را یک نام‌گرا^۱ تلقی کرد که ماهیت خیر مطلق و جهان‌شمول را نفی می‌کند، اما بر این عقیده است که در موارد خاص و فردی خیر قابل شناخت است.

مبحث اصلی اخلاق دیویی در جلد دوازدهم آثار متأخر^۲ (۱۹۲۹-۱۹۵۳) و در مبحثی با عنوان «برهان: نظریه‌ی پژوهش» مطرح می‌شود که بر اصل «پژوهش اخلاقی^۳» تکیه دارد و اساس آن «تمرین و تکرار دراماتیک^۴» به معنای «الگوسازی ذهنی تفکر فردی برای اتخاذ تصمیمی اخلاقی» است. استیون فسمایر^۵ که از تفسیرگران برجسته‌ی نظریات دیویی است در کتاب جان دیویی و تصور اخلاقی (۲۰۰۳) به این نکته اذعان دارد که دیویی «پژوهش اخلاقی قابل انعطاف و حساس به موقعیت» را جایگزین «مفاهیم منسوخ‌شده‌ی عقلانیت بدون تخیل» می‌کند (۵). درحقیقت، پژوهش اخلاقی بر پایه‌ی تجربه و تصورات ذهنی و مبتنی بر بافت محیطی و اجتماعی صورت می‌گیرد. تجربه در دیدگاه او بیشتر به عملکرد، عادات، قضاوت‌های فعال کنش‌گر، سازگاری، تناسب و فعالیت مربوط می‌شود تا حالت‌های گوناگون آگاهی (۱۵۷ *Influence of Darwin The*). در باب بافت محیطی نیز دیویی بر این باور است که عادات اخلاقی از طریق نسبت محیط و موجود زنده^۶ حاصل می‌شود و تمامی فضیلت‌ها و رذیلت‌ها به‌واقع عاداتی هستند که از ارتباط با محیط به‌دست می‌آیند و حتی عادات جدید از عادات اغناء شده‌ی پیشین در اثر تغییر محیط شکل می‌گیرند (۱۴ *Human Nature*).

مبحث مهم دیگر در پژوهش اخلاق دیویی، تصور اخلاقی است که همان تمرین دراماتیک احتمالات است. او دو درون‌مایه‌ی اصلی برای تصور اخلاقی در نظر می‌گیرد

1. Nominalist
2. *The Later Works*
3. Moral Inquiry
4. Dramatic Rehearsal
5. Steven Fesmire
6. Organism

که شامل «تجسم یک‌دلی» و «تجسم خلاقانه‌ی احتمالات یک موقعیت» است (Mor-270) *al Judgment*). یک‌دلی به منظور جان بخشیدن به قضاوت اخلاقی است، به این معنی که علائق و نگرانی‌های دیگران را به اندازه‌ی علائق و نگرانی‌های خود لحاظ کنیم. به‌طور کلی، در پژوهش اخلاقی هم غایت تصور می‌شود و هم بازتاب اخلاقی دیگران (293) *Place of Reason*). علاوه بر این، دیویی در کتاب سررشت و رفتار انسان (۱۹۲۲) تأکید دارد که «اخلاقیات با انتخاب یک گزینه در میان احتمالات دیگر آغاز می‌شود و در این‌جا مسئله‌ی بهتر و بدتر مطرح می‌گردد که بهتر خیر است» (۱۹۳). مبحث بهتر در تفکر دیویی دلالت بر اصل بهبودگرایی دارد: «موقعیتی خاص که در حال حاضر حادث شده، ممکن است نسبتاً خوب یا نسبتاً بد باشد، می‌تواند بهتر گردد و خرد را ترغیب کند تا به اسباب مثبت نیکی و رفع موانع برای درک آن تأمل نماید، برای ارتقاء موقعیت کوشش کند و در نتیجه‌ی آن، اعتمادبه‌نفس و امیدواری معقولانه افزایش می‌یابد» (178) *Reconstruction*). او معتقد است مثبت‌گرایی نه تنها مردم را نسبت به رنج‌های دیگران بی‌تفاوت می‌کند، بلکه انگیزه‌ی لازم برای بهتر کردن امور را نیز از آن‌ها می‌گیرد.

درنهایت، باید به این امر اذعان داشت که اخلاق دیویی اخلاقی پیشینی^۱ و الهی نیست که دارای هدفی از پیش تعیین شده باشد، بلکه ماحصل حل مشکلات یا ارتقاء شرایط محیطی است. آنچه دیویی بر آن تأکید دارد این است که «اخلاقیات یک فرآیند ادامه‌دار است نه حصول هدفی مشخص» و به‌معنای رشد رفتار و فرآیند خوداصلاحی^۲ است (280) *Human Nature*). می‌توان گفت حرکت روبه‌جلو و پیوسته، پالودگی و کنش‌گری فعال، غایت اخلاقیات است. پژوهش حاضر در باب واکاوی مفاهیم اخلاقی در قهرمانان که از نوع تحلیلی-توصیفی است ابتدا به بررسی شرایط و تأملات اخلاقی شخصیت اصلی داستان می‌پردازد و نقش تجربیات و تصورات در پژوهش اخلاقی را بررسی می‌کند. سپس بر تأثیرمتقابل شرایط اجتماعی و محیطی در شکل‌گیری عادات اخلاقی تمرکز می‌کند و تصور اخلاقی تجربه‌محور و اصل بهبودگرایی را در داستان مورد مطالعه قرار می‌دهد. در آخر، تجلی تکامل اخلاقی در رشد و حرکت روبه‌جلو و ظهور بارقه‌های امید در داستان نشان داده می‌شود.

1. *Human Nature and Conduct*

2. *Priori*

3. *Self-Correction*

۴. تحلیل روان‌شناختی و جامعه‌شناختی رفتار از منظر تصور اخلاقی جان دیویی در رمان قهرمانان مرزها

دیو اگرز در قهرمانان نوعی وجدان اجتماعی را به اشتراک می‌گذارد. در نگاه اول، این رمان روایت‌گر یک سفر جاده‌ای است که جوزی^۱، شخصیت اصلی داستان را به یک منتقد سرسخت آمریکا و شیوه‌ی زندگی آمریکایی بدل می‌کند. راوی در آغاز قهرمانان زمانی را نشانه گرفته که جوزی و فرزندانش به آلاسکا رسیده‌اند و طی کرایه کردن یک ماشین کاروان، جوزی غرق در تصورات گذشته می‌شود. این پس‌نگری تا انتهای داستان به چشم می‌خورد و خاستگاه اطلاعات خواننده از گذشته و تأملات ذهنی جوزی است. از خلال این تأملات در می‌یابیم که او دندان‌پزشکی در شهر اوهایو^۲ است. همسرش کارل^۳، مردی بیمار و با مشکل ستون فقرات، به جوزی گفته است از دواجی که روی برگه ثبت می‌شود، تظاهری دروغین است؛ برگه‌ای زائد و بی‌فایده. او پس از هجده ماه جوزی و کودکانش را ترک می‌کند، همسر دیگری اختیار می‌کند و از جوزی می‌خواهد که فرزندانش را برای آشنایی با همسر جدیدش به ساحل بفرستد (۳). این اتفاق دلیل موجهی برای ترک آن شهر است. او می‌بایست به اساسی‌ترین تصمیم زندگی‌اش فکر می‌کرد؛ یک خانه‌ی متحرک بدون نشانی را تصور می‌کند که هیچ‌کس نمی‌تواند ردش بگیرد. اما آنا^۴، دختر پنج‌ساله‌اش، گذرنامه ندارد و برای اخذ آن می‌بایست به پدرش مراجعه کنند. پس جوزی باز به تصوراتش ادامه می‌دهد و آلاسکا را مجسم می‌کند «سرزمین کوهستان‌ها، آتش و رعد و برق» (۳۶)، «آنجا سرزمین دیگری است [...] سرزمین نسیان و گم‌نامی» (۳). اگر تلفن همراه و کارت بانکی‌اش را کنار بگذارد، دیگر هیچ‌کس نمی‌تواند او را پیدا کند. ماشین کاروانی به نام «شاتو»^۵ کرایه می‌کند، اما بر خلاف معنای آن، قصری بزرگ و شاهانه نیست، بلکه واگن چرخداری است که بی‌هدف سراسر آلاسکا را می‌چرخد و در واقع استعاره‌ای است از زندگی او که بی‌هدف جلو می‌رود و در این میان، حس رهایی از کارل، اولین^۶ و اوهایو را به ارمغان می‌آورد، گرچه این حس تمام و کمال نیست و گذشته همچون شبی در پی او می‌آید.

1. Josie

2. Ohio

3. Carl

4. Ana

5. Chateau

6. Evelyn

می‌توان گفت تأملات اخلاقی در این رمان بر پایه‌ی اخلاقی نظام‌مند، از پیش تعیین شده و با هدف رسیدن به حقیقتی غایی و مطلق نیست، بلکه چندین حقیقت نسبی در کنار هم قرار می‌گیرند. اگرز در خلال داستان زندگی جوزی، مسائل و محدوده‌ی شناخت‌شناسی را ظاهراً با هدف پراگماتیستی برای تصمیم درباره‌ی چگونه زیستن مطرح می‌نماید. همانند یک پراگماتیست، او نشان می‌دهد که حقیقت یک مفهوم مطلق نیست، بلکه از مواجهه‌ی ذهن متصور و شرایط محیطی حاصل می‌گردد. در پراگماتیسم، حقیقت نیکی یا فضیلت اخلاقی آن است که ذهن از طریق تصورات و تجربیات حواس پنج‌گانه می‌سازد. در همین راستا، در انتهای داستان، زمانی که جوزی چهره‌ی درخشان فرزندان را مشاهده می‌کند، «می‌داند که بدون شک این مکان همان جایی است که باید در آن حضور داشته باشند و آن‌ها همان‌هایی هستند که باید باشند» (۳۸۴).

مارسل تروکس^۱ در «قهرمانان مرزها اثر دیو اگرز: گریزی به حیات وحش» (۲۰۱۶) این رمان را وام‌دار سیر و سلوک زائر^۲ اثر جان بانیان^۳ می‌داند که در هر دو اثر به‌نوعی غیظ اخلاقی به اشتراک گذاشته می‌شود. البته نویسندگان این مقاله مقایسه‌ی این دو رمان را نه تنها به‌سبب مفهوم سفر ممکن می‌دانند، بلکه تکامل اخلاقی را که در هر دو مطرح می‌شود درخور توجه می‌بینند. فلسفه و مکتب اخلاقی که در سیر و سلوک زائر با حرکت از وادی فنا به سوی کوه مقدس در اورشلیم نشان داده شده، در برگیرنده‌ی اخلاقی پیشینی، ماقبل تجربی و الهی است که تعالیم محض مسیحیت را ترویج می‌کند. اما از آن‌جا که سیر و سلوک اصلی در خویشتن زائر رخ می‌دهد، می‌توان گفت جوزی نیز در قهرمانان به‌واسطه‌ی نیروی تصور اخلاقی و تجربه‌ی اجتماعی به شناخت خویش و اصلاحات شناختی-ادراکی می‌رسد که تکامل اخلاقی از نوع پسینی و تجربی را منعکس می‌کند.

۴-۱. شکل‌گیری تجربه: نسبت تجربه و تصورات در شناخت رفتار اخلاقی در شخصیت اصلی رمان

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های روایت‌گری اگرز در رمان قهرمانان فصل‌بندی آن است که در هر فصل تجربه‌ای در چهارچوب شناختی-ادراکی شکل می‌گیرد که در انتها منجر به

1. Marcel Theroux

2. *Pilgrim's Progress*

3. John Bunyan

تکوین رفتار یا کنش اخلاقی در شخصیت اصلی می‌شود. تکرار این چرخه در سراسر رمان باعث شبیه‌سازی زندگی روزمره با تجربیات مکرر و مستمر می‌شود و جالب این‌که فصل بیست‌وهفتم، آخرین فصل کتاب، تنها یک جمله دارد: «اما سپس فردایی است» (۳۸۵) که نشان‌گر تجربه‌ای جدید در طول مسیر زندگی و امید است. از طرفی دیگر، دیویی واژه‌ی رفتار^۱ را به معنای وسیعی به‌کار برده که «نه تنها شامل حرکات بدنی آشکار می‌شود، بلکه مشاهده، تأمل، تخیل، حکم و پاسخ مؤثر به آنچه ما مشاهده و فکر می‌کنیم را نیز در بر می‌گیرد» و سه سطح وسیع برای رفتار تعریف می‌کند که عبارتند از: «انگیزش، عادت و رفتار عقلانی» (اعظم قاسمی و حمیدرضا آیت‌اللهی ۳۲). در نتیجه، رفتار اخلاقی وابسته به موقعیت اخلاقی است و رفتار از عمل کاملاً متمایز می‌شود.

جوزی در یک سال گذشته در زندگی خصوصی و اجتماعی‌اش متحمل تجربیات سختی بوده که نهایتاً او را وادار به گریز می‌کند. «هزاران دلیل برای ترک سرزمین اصلی آمریکا (چهل‌وهشت ایالت)، ترک سرزمینی که در فکر چرخش چرخ‌هایش روبرو جلو است، تاخت‌وتاز گاه‌وبیگاهش را ترقی و روشن‌فکری می‌پندارد و به دور از هر گونه الهام، به‌سوی آدم‌خواری، بلعیدن جوانان و مستضعفین، شکایت کردن و انگشت اتهام‌زدن، دیوانگی، گجی و بازنمایی‌های انفجاری از کینه‌های قدیمی حرکت می‌کند» (۲۶). در واقع دادخواهی‌های قانون آمریکا، زیاده‌روی در دعاوی قضایی و بی‌احساس بودن ساکنانش باعث نابودی زندگی جوزی شده است. یکی از این اتفاقات، دادخواست اولین، بیمار پیری است که از شرایط سوءاستفاده می‌کند و در پی مبتلا شدن به سرطان دهان، جوزی را به تشخیص ندادن آن در طی ترمیم دندان‌هایش متهم می‌نماید. بدون این‌که از دست دادن کار جوزی برای زره‌ای اهمیت داشته باشد، غرامت درمانی سنگینی به قیمت کل مطب و وسایلیش دریافت می‌کند. اما دشوارترین آن‌ها واقعه‌ی مرگ جرمی^۲ است. او جوانی بود که از زمان کودکی برای درمان دندان‌هایش به جوزی مراجعه می‌کرد و بعداً روابط دوستانه‌ای بین آن‌ها پدید آمد. او به جوزی گفته بود که قصد دارد به‌عنوان ملوان نیروی دریایی برای اعزام به افغانستان ثبت‌نام کند و برای ثبات و بهداشت آن کشور کار کند. جوزی با خود فکر کرده بود که چنین تصمیمی چندان به او مربوط نمی‌شود و مسئولیت اقدامات جرمی با والدینش است و به‌طور سطحی و ظاهری انتخاب او را تأیید

1. Conduct

2. Jeremy

کرده بود. اما پس از چند هفته، طی تماسی تلفنی با او متوجه می‌شود که والدین مردد جرمی، به واسطه‌ی تأیید خانم دندان‌پزشک که برای او احترام زیادی قائل بودند، موافقت خود را اعلام کرده‌اند (۸۰-۸۲). این گفتگو تبعات سنگینی برای جوزی داشت و پس از شش ماه جرمی کشته شد. او پیوسته این صحنه را مجسم می‌کند: «گلوله‌ای به جوان هجده‌ساله‌ای اصابت کرده، او تنهای تنها در حالی که خون زیادی از او می‌رود در بستر مرگ روی تپه‌ای خاکی، آخرین کلماتش را با خون خود برای خانواده‌اش می‌نویسد» (۸۲، ۱۵۹، ۲۶۶). جوزی بارها و بارها این تصویر را در ذهنش مرور می‌کند و به همین دلیل، دیگر هیچ‌گاه به کسی مشورت نمی‌دهد و نصیحتی نمی‌کند. از این‌که حرفه‌اش را ترک کرده، گاهی احساس مسرت می‌کند چراکه «آشنایی با مردم یعنی به آن‌ها بگویی چه بکنند و چه نکنند، مشورت بدهی، امید بدهی، راهنمایی کنی و فضیلت داشته باشی و همه‌ی اینها بدبختی و مرگ در تنهایی را به‌همراه خواهد داشت» (۸۲). روشن است چنین سنجش‌های رفتاری که معطوف به تجربه‌ی فیزیکی و ذهنی با در نظر گرفتن غایت‌گرایی و عمل‌گرایی است، جوزی را تبدیل به یک پراگماتیست تمام‌عیار می‌کند. اگرچه مشورت در اخلاق پیشینی یک فضیلت مطلق محسوب می‌شود، اما در اخلاق عملی دیویی، از آن‌جا که در این موقعیت و در مورد این فرد نتیجه‌ی نیکی به‌همراه نداشته، می‌بایست از آن دوری جست. برای جوزی همانند دیویی، مسائل مهم در نهایت همان خیر آنی است. اخلاق از منظر دیویی و تجربه‌ای که در این اثر ارائه می‌شود، بسیار شبیه مراقبه‌ای خلاق و فعال است که «الهام‌بخش فهم عمومی است و قابل اشتراک» (179) (Grimstad). به‌علاوه، دیویی تأکید دارد که بین تجربه و ذهن ارتباط عمیقی وجود دارد و موقعیت‌های محسوس در زندگی روزمره به‌طور مستقیم با فلسفه مرتبط است.

۲-۴. تأثیر متقابل محیط اجتماعی و عادات اخلاقی بر رفتار شخصیت‌های رمان

جوزی از یک سو تحت تعقیب گذشته‌ای است که مرگ جرمی، دعوی قضایی یکی از بیماران و تصور تعقیب قانونی همسر سابقش را در خود دارد و از طرف دیگر، تحت فشار محیط پیرامونش در اوهایو است. روزگاری اوهایو شهری کوچک، آرام و صلح‌آمیز بود. «این شهر هیپی‌ها را در خود داشت که در نگاه جوزی به‌طور فوق‌العاده‌ای قدردان و حق‌شناس بودند. آن‌ها به خاطر درخت‌ها، رودخانه‌ها، جویبارها و پرندگان

1. Hippies

احساس خوشبختی می‌کردند». اما حالا دیگر آن‌ها یا از این شهر رفته‌اند یا پیر شده‌اند و در قید حیات نیستند و جای آن‌ها را ساکنینی گرفته‌اند که پیوسته در عجله و شتابند، در شتاب برای ورزش کردن، برای خرید محصولات ارگانیک، و حتی برای گرفتن نمرات فرزندشان از مدرسه: «جایگزین آن‌ها این دوچرخه‌سواران هستند، و خانم‌هایی که با سرعت رانندگی می‌کنند و با موهای دم‌اسبی‌شان خواهان همه‌چیز هستند، آن‌قدر طمع دنیا را دارند که هیچ محدودیتی جلودارشان نیست، هیچ چهارراهی، حتی کودکان در رستوران یا اسکوتران‌ها در پیاده‌رو آن‌ها را متوقف نمی‌کند» (۱۵۵). آن‌چه بیشتر جوزی را ناراحت می‌کند این است که «با لبخندهای شرورانه راه را برای چرخ‌های خرید خود باز می‌کنند و در این تکامل افراطی به سمت غذای بیشتر، بهداشت بهتر و تحصیلات بالاتر، تیره‌روزی به این شهر روی آورده و شتاب و خشم آن‌ها جان همه را در شهر به‌خطر انداخته است» (۱۵۱-۱۵۲). برای جوزی محیط اهمیت ویژه‌ای دارد، همان‌طور که دیویی متذکر می‌شود «در میان جماعتی که تحت سلطه‌ی یک قدرت مطلقند یا جمعی که رو به زوال و مقلد است و نسبت به ایده‌های جدید سرکشی می‌کند، فهم تجربی نمی‌تواند شکوفا گردد» (*The Middle Works 1918-1919* 346). در چنین جامعه‌ای، افراد کینه‌توز، خشن، خشمگین و نوکیسه باعث ایجاد تصادف، جدال و خونریزی می‌شوند. جوزی مثال درگیری بین دوچرخه‌سوار و راننده کامیون را می‌زند. راننده سر پیچ جاده دوچرخه‌سوار را ندیده و به او راه نداده است، دوچرخه‌سوار به او فحش و ناسزا می‌دهد و به محض پیاده شدن با پمپ دوچرخه آنقدر بر سروصورت او ضربه وارد می‌کند که صورتش غرق خون می‌شود (۱۵۲-۱۵۳). جوزی دوچرخه‌سوار را می‌شناسد، از بیماران قدیمی‌اش بود و در پی این واقعه آن‌چنان متأثر می‌شود که قطعه شعری می‌سراید و با خودش تکرار می‌کند. در این راستا، دیویی جمعی را مطلوب می‌داند که مدل‌های زندگی اجتماعی را حمایت و ویژگی‌های ناپسند را اصلاح می‌کند و پیشرفت و ترقی را ترویج می‌دهد (*Democracy and Education* 89). از آن‌جا که در فلسفه‌ی اخلاق پراگماتیستی خیر مطلق وجود ندارد و ویژگی‌ها پیشینی و ازپیش تعیین شده نیستند، این سؤال مطرح می‌شود که چگونه می‌توان ویژگی‌های صفات مطلوب را بشناسیم. پاسخ این سوال بنا بر دیدگاه دیویی، بررسی هوشمندانه‌ی نتایج مختلف و بهره‌گیری از شیوه‌ی تجربی در دامنه‌ای وسیع از زندگی بشر است (*The Later Works 1929* 137).

جالب است که حتی پس از ترک اوهایو و عزیمت به آلاسکا، جوزی همچنان به

محیط توجه دارد و در صورت لزوم و برای پای‌بندی به اخلاق، محیط را تغییر می‌دهد. در پی فهمیدن رابطه‌ی خواهر ناتنی‌اش با پیرمردی هفتادساله که به نظر «ناسازگار، غیرقابل‌اعتماد، شهوت‌ران و نظرباز» (۱۸۴) می‌نماید، تصمیم می‌گیرد خانه‌ی خواهرش را ترک کند و این اولین باری است که جوزی انتخابی دارد که به‌ظاهر به‌ضرر فرزندانش است: «او می‌دانست که آن‌ها ترجیح می‌دهند آن‌جا بمانند و با دخترخاله‌هایشان سرگرم باشند و درس بیاموزند، از آب لوله‌کشی استفاده کنند و از خطرهای ناشناخته‌ی سفر با ماشین کاروان در امان باشند» (۱۶۰). دیویی در کتاب سرشت و رفتار انسان (۱۹۲۲)، محیط را در امکان شکل‌گیری عادات زندگی پالوده و محترمانه بسیار مؤثر می‌داند و به این نکته اذعان دارد که محیط رابطه‌ای متقابل با عادات فردی هر انسان دارد که به‌طور چشم‌گیری تکامل اخلاقی او را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد. عادات یک فرد که وابسته به محیط به‌ارثر رسیده‌ی اوست، زنجیره‌ای از تأملات اخلاقی ایجاد می‌کند که ماحصل دلالت‌های این تأملات اخلاقی در زندگی فرد است (19 *Human Nature*). برای پراگماتیست‌ها، عادات فرد با محیط در ارتباط است و بودن در جمعی درست و مناسب منجر به شکل‌گیری بهترین عادات و راه‌حل‌ها می‌شود. از طرفی می‌توان گفت، اخلاقیات از شرایط محیطی و اجتماعی و دنیای مادی غیرقابل‌انفکاک است و شرایط محیطی نقشی اساسی در تربیت و عادات اخلاقی ایفا می‌کند. هیو لفلولی^۱ در «اخلاق پراگماتیستی» (۱۹۹۷) می‌نویسد دیویی به‌طور مکرر تذکر می‌دهد که «عادات اخلاقی ما زمانی تغییر می‌کند که محیط مجبورمان کند به‌سمت موقعیت‌های مناسب اخلاقی و جدید حرکت کنیم» (۴۰۹). حرکت به سمت موقعیت‌های مناسب اخلاقی که نهایتاً منجر به تغییر و بهبود عادات اخلاقی می‌گردد، به‌وضوح در رفتار فرزندان جوزی مشهود است. دخترپنج‌ساله‌ی او، آنا، به‌نظر جوزی «خطری جدی برای تمام هنجارهای اجتماعی محسوب می‌شود» و او را «جانوری با چشمانی سبز و گیسوانی ارغوانی» معرفی می‌کند «که استعداد فوق‌العاده‌ی درشکستن اشیاء دارد و با چابکی تمام و با سرعتی باورنکردنی همه چیز را نابود می‌کند» (۵). در طول رمان، هم به چند نمونه از خرابکاری‌هایش در پیتزافروشی، سوپرمارکت و سرویس بهداشتی اشاره می‌شود، اما پس از گذراندن مدتی در جنگل، رودخانه، کلبه‌ی دورافتاده و معدن متروکه، رفتارهای مناسب‌تری نشان می‌دهد: «آنا به‌خوبی رفتار می‌کند و چهره‌اش درخشش فوق‌العاده‌ی

1. Hugh LaFollette

دارد». جوزی به این نتیجه می‌رسد که بچه‌ها نیز مانند حیوانات هستند؛ اگر به آن‌ها آب و خوراک سالم بخورانی و هوای سالم استنشاق کنند، پوستشان براق، دندان‌هایشان سفید و بدنشان قوی می‌شود (۳۰۷). او با خودش می‌اندیشد که کودکانش به‌خوبی در حال رشدند و به‌زیبایی در انجام کارها مستقل شده‌اند، دل‌مشغولی‌های مادی‌گرایانه را فراموش کرده و نسبت به زمین و روشنایی آگاه شده‌اند، بیشتر به جریان آب رودخانه توجه می‌کنند تا به یک نوشت‌افزار مصرفی که از لابه‌لای یاهو‌سرایی‌های مدرسه شنیده می‌شود. جوزی به آن‌ها و «به روح پاکشان» افتخار می‌کند. همچنین او متوجه می‌شود که «آن‌ها به‌طور غیرقابل‌قیاسی بهتر از زمانی هستند که در او‌هایو به‌سر می‌بردند. آن‌ها قوی‌تر، باهوش‌تر، بااخلاق‌تر، معنوی‌تر، منطقی‌تر، قدرشناس‌تر و شجاع‌تر شده بودند» (۳۰۸). همچنین پسر او پل^۱ که به گفته‌ی خودش از سنش فهمیده‌تر به‌نظر می‌رسد و هشت سال دارد، «در محیط جدید یاد گرفته بود که شجاع باشد؛ آن‌ها کاملاً تغییر کرده بودند» (۳۰۸). جوزی همواره به دنبال شجاعت و پاکی در بین ساکنین آلاسکا بود اما فکر نمی‌کرد که خود او، نه به‌سادگی بلکه با سختی‌های بسیار بتواند چنین انسان‌هایی را تربیت کند و اینک فرزندان‌ش همان‌هایی بودند که او آرزو داشت ببیند. می‌توان معنای تقابل محیط و تکامل اخلاقی را در تک‌گویی او که گویای فلسفه‌ی اخلاقی‌اش است خلاصه کنیم: «ما تغییر می‌کنیم! تغییر می‌کنیم! و فضیلت تنها در داشتن ثابت نیست. تو می‌توانی ذهن‌ت را تغییر دهی، یا محیط‌ت را، و هنوز در خویشتن خود تمامیت و راستی را حس کنی. تو می‌توانی بروی بی‌آنکه تبدیل به یک ترسو، واگذارنده و شبخ بشوی!» (۱۵۴).

۳-۴. حصول تصور اخلاقی تجربه-محور و به‌کارگیری اصل بهبودگرایی

جوزی و کودکانش چند روزی را در یکی از کابین‌های معدنی متروک در نزدیکی رودخانه یوکن^۲ و جنگلی سبز به‌سر می‌برند. شبی آنا پیش مادرش می‌آید و در آغوش او آرام می‌گیرد و از مادر می‌پرسد که آیا پدرش مرده است. جوزی او را محکم در آغوش می‌گیرد، موهایش بوی چوب سوخته، آفتاب و عرق می‌دهد. به آرامی به او می‌گوید نه. اما آنا ادامه می‌دهد که پس پدرش کجاست. او سبک‌سنگین می‌کند که چگونه پاسخ دخترش را بدهد، چطور بگوید که پدرش آن‌ها را رها کرده و یا آن‌ها گریخته‌اند. بگوید به سفر آمده‌اند یا آدم‌ها از هم جدا می‌شوند؛ می‌توانست قول نصفه‌نیمه‌ای بدهد که به‌زودی او

1. Paul

2. Yukon River

را می‌بینند (۳۱۰). همه جوانب را می‌سنجد، موقعیت خود و دخترش را تصور می‌کند و در همین چند لحظه احساس می‌کند که دیگر زمان آن رسیده که با همسر سابقش تماس بگیرد و به این گریز خاتمه دهد. گویی «نرمشی ناگهانی نسبت به کارل احساس کرد، چرا که او در خلق این کودک دلنشین که روی پاهایش نشسته سهیم بوده، این کودک که فکر می‌کند جرمی رفته و مرده پس پدرش هم رفته و مرده است». جوزی تصمیم می‌گیرد که فردا در شهر به کارل تلفن بزند، به سانی، مادرخوانده اش، «به همه بگوید که کجاست و چرا. به آن‌ها بگوید که باز خواهند گشت» (۳۱۰). در این سنجش اخلاقی، جوزی به‌طور تمام‌وکمال، تصور اخلاقی دیوبی را اعمال می‌کند و تمرین دراماتیک در پژوهش اخلاقی را انجام می‌دهد، همه‌ی جوانب را تصور می‌کند، به عواقب و نتیجه‌ی آن‌ها می‌اندیشد، به دیگران هم می‌اندیشد، خودش را جای دخترش، همسر سابقش و مادرخوانده‌اش نیز می‌گذارد و گزینه‌ی بهتر را که از لحاظ غایت‌سنجی خیر است برمی‌گزیند.

در ارتباطی تنگاتنگ با عنوان قهرمانان مرزها، جوزی همواره در این فکر است که آیا قهرمانی وجود دارد و یا قهرمانان کجا هستند. تنها چیزی که می‌داند این است که آن‌ها از جایی آمده‌اند که همه بزدلند. تنها یک مرد شجاع در ذهنش بود؛ جرمی که به‌سوی مرگ شتافت (۶). زمانی که در یکی از کابین‌های معدن متروک، شب را سپری می‌کنند، او با نور شمع برای کودکانش داستان شاهزاده‌ی کاسپین^۱ از سی‌اس لوئیس^۲ را که در کشوری سرویس بهداشتی پیدا کرده بودند، می‌خواند. در خلال خواندن داستان، احساس می‌کند که «زندگی آن‌ها با قهرمانان این کتاب مرتبط است. اگرچه آن‌ها فقط دو مایل در تاریکی شب و در جنگل راهپیمایی کرده بودند، اما به نظرش بین آن‌چه او و فرزندانش قادر به انجامش هستند و آن‌چه دیگر شخصیت‌های داستان انجام می‌دهند تفاوت زیادی نیست (۳۳۳). احساس می‌کند او و بچه‌هایش قهرمان هستند. البته لحظه‌ی اوج حصول تصور اخلاقی که به‌صورت دریافت ناگهانی^۳ در داستان‌های جیمز جویس^۴ خودنمایی می‌کند، در کشاکش طوفان و بهمن در کوهستان رخ می‌دهد. جوزی به این بصیرت می‌رسد که او قهرمان داستان زندگی‌اش است: «جوزی حسی قوی دارد که این ایماژها به آن‌ها می‌مانند، تصویری از مادری که کمرش را زیر بار برف در میانه‌ی

1. Prince Caspian

2. C. S. Lewis

3. Epiphany

4. James Joyce

طوفان راست می‌کند و همان‌طور که قطرات باران به‌شدت بر او می‌بارد، فریادی بلند سر می‌دهد و می‌خندد» (۳۸۲). گویی او قهرمان مرزهای زندگی‌اش است و با داشتن چنین فرزندان شجاع، قهرمان‌پرور است. او در می‌یابد که نمی‌بایست به‌دنبال قهرمان بگردد بلکه او خود باید قهرمانان را پرورش دهد (۳۷۶). پل و آنا با این‌که کودکی بیش نیستند در سراسر سفر، مادر را همراهی می‌کنند و از رویارویی با خطر پا پس نمی‌کشند، هر جا جوزی از آن‌ها می‌خواهد که او را همراهی کنند با شور و نشاط سر تکان می‌دهند: «آن‌ها می‌خواستند شجاع باشند، آن‌ها می‌دانستند که راهی جز شجاع بودن ندارند و هیچ‌چیز بهتر از این نیست» (۳۷۶).

از طرفی باید در نظر داشت طبق نظر دیویی، چنین سنجش‌های اخلاقی مبنی بر مثبت‌گرایی^۱ نیست، بلکه بهبودگرایی را در شخصیت فرد نشان می‌دهد. فلسفه‌ی پراگماتیسم امکان ارتقاء یک موقعیت را تصدیق و از اصلاح و بهبود اوضاع به‌عنوان راه‌حلی برای مشکلات حمایت می‌کند. دیویی همواره تأکید می‌کند: «اخلاقیات با تمام فعالیت‌هایی که در آن‌ها احتمالات متناوب دیگری وجود دارد، مرتبط است. (بدان معنی) که هرگاه تفاوتی بین بدتر و بهتر وجود دارد، بهتر خیر است» (193 *Human Nature*). جوزی در خود موجی از تعلقات خاطر حس می‌کند و نسبت به همه احساس محبت می‌کند، اما می‌داند که این حس نمی‌ماند و این احساسِ بخشش و قدردانی گذراست (۳۶۴)، اما گذرا بودن بسی بهتر است از عاری بودن از احساس و این خود نمادی از بهبودگرایی در اوست. در طول سفر، علی‌رغم مشکلات فراوان و لحظه‌های مخاطره‌آمیز، او سعی می‌کند لحظه‌های شاد برای خود و فرزندان به‌وجود آورد. برای مثال، زمانی که برای گریز از جستجو و تفحص احتمالی پلیس تصمیم می‌گیرد که در تاریکی شب به سمت اقامتگاهشان در معدن متروکه حرکت کند، در این فاصله‌ی زمانی، به جای ناراحتی و عصبانیت، پیک‌نیک کوچکی ترتیب می‌دهد. او کودکش را تشویق می‌کند تا در امتداد جاده‌ی خاکی در جنگل انبوه آواز بخوانند و بازی کنند. پابرهنه در رودخانه راه بروند و روی بوته‌ی آتش خوراک کبابی درست کنند. گرچه سفر در تاریکی شب در جنگل انبوه می‌تواند وهم‌انگیز و ترسناک باشد، در حالی‌که آن‌ها حتی پول کافی برای خرید چراغ‌قوه ندارند، جوزی به خرید چند شمع و کبریت اکتفا می‌کند و همان‌طور که او و بچه‌ها با انگشتانشان شمع را جلوی خود می‌گیرند، جوزی بازی سایه و نور را پیشنهاد

می‌کند. به‌طور کلی می‌توان گفت قهرمانان یک رمان سیاه و تاریک نیست. در کنار هر رخداد وحشت‌آور در داستان، همانند آتش‌سوزی‌های شدید و پی‌درپی، یا برخورد با افراد عجیب و غیرمعمول، فرجه‌هایی بهبودگرایانه در داستان وجود دارد. برای مثال، درمیان کوهستان یخ‌زده، میز جشن تولدی در یک کلبه‌ی کوهستانی چیده شده است که پناهگاهی برای جوزی و کودکش می‌شود، از خوراکی‌ها خود را سیر می‌کنند و با شومینه هیز می‌خوردند و گرم و لباس‌هایشان را خشک می‌کنند. یا حضور نوازنده‌های آماتور و دوستی جوزی با آن‌ها منجر به نوشتن آهنگی می‌شود که سال‌ها در ذهنش مرور می‌کرد. همه‌ی این موارد فرجه‌هایی است که فرصتی فراهم می‌آورد تا خود را باز یابند و نفسی تازه کنند. البته حضور کودکان و شیطنتهای گاه‌وبیگاهشان در طول داستان به تلطیف شرایط محیطی و کم کردن فشار مشکلات و خطرهای کمک می‌کند.

۴-۴. تجلی تکامل اخلاقی در رشد، حرکت روبه‌جلو و ظهور بارقه‌های امید

جوزی و فرزندانش نمونه‌ی بارز حرکت و پایداری در ادامه‌ی مسیر هستند. و در این حرکت رفتارهایی را نشان می‌دهند که حاکی از حس‌رهایی از انتخاب‌های بی‌هدف، خنثی و نه‌چندان خردمندانه است. او معتقد است که «جرأت آغاز است. نترسیدن، حرکت روبه‌جلو از خلال تمام سختی‌ها و عقب‌نشینی نکردن. جرأت به‌واقع یک نوع حرکت به‌پیش است» (۳۳۳). نزدیک به پایان رمان، پس از ترک مدرسه‌ای که به پناهگاه حوادث غیرمترقبه تبدیل شده است، کنار دریاچه، پل و آنا سنگ در آب پرتاب می‌کنند و با رضایتِ جوزیِ سنگ‌ها را روی بدنش می‌چینند تا این‌که کاملاً زیرشان مدفون می‌شود. هر سنگ نشانی است از گذشته‌ی جوزی که به‌شدت دوست دارد از آن رها شود. با برداشتن هر سنگ از بدن جوزی، در مورد وزن هر کدام از او سؤال می‌پرسند و جوزی احساس آزادی و بالندگی بیشتری می‌کند. کودکان هم گمان می‌کنند مانند قصه‌ها، شخصی که از زیر سنگ‌ها بیرون می‌آید، فردی کاملاً جدید و متفاوت است. به‌واقع در این قسمتِ روایت، مفهوم رستاخیز، دگرگونی و تکامل به‌صورت نمادین دیده می‌شود: «هر زمان که سنگی برداشته می‌شد، جوزی احساس می‌کرد که به معراج نزدیک‌تر می‌شود. [...] او نفس بریده‌ای می‌کشید و بدنش بیشتر احساس‌رهایی می‌کرد» (۳۶۵). پس از گذراندن آن همه رنج و سختی، ایماژهایی که پیوسته در نظرش ظاهر می‌شود (تصویر شکسته شدن بطری خالی شیشه‌ای) کم‌رنگ‌تر می‌شود. زمانی که بانویی

مهربان در پناهگاه به او خبر می‌دهد که آن‌جا تلفن راه دور دارد، جوزی ترغیب می‌شود تا با همسر سابقش تماس بگیرد و در پی گفتگو با او متوجه می‌شود که کارل برگه‌ی دادخواستی برای او نفرستاده و آن برگه از سمت اداره‌ی برق بوده که قبلاً جوزی از آن‌ها شکایت کرده بود. کارل نیز از او عصبانی نیست، می‌خندد و متوجه درخواست غیرمعمولش می‌شود، اما عقیده دارد که خوب است بچه‌ها همسر جدید او را که روان‌شناس کودک است، ملاقات کنند (۳۶۱-۳۶۰).

اگرز در قهرمانان همانند دیویی، نیکی را یک فرآیند در نظر می‌گیرد تا یک مقصد. او باور دارد که رشد، یک ارزش اخلاقی در زندگی است به معنای تجربه و کنترل کردن موقعیت که باعث دست یافتن به زندگی بهتر می‌شود. بنابراین برای موفقیت لازم است بدانیم کجای زندگی ایستاده‌ایم، نیازهای ما چیست و چه احتمالات و موقعیت‌هایی وجود دارد. دیویی در کتاب بازسازی در فلسفه (۱۹۲۰) تأکید می‌کند: «رشد بازسازی مداوم تجربه است» (۱۸۴) و فرآیند رشد «فرآیند فعال تبدیل موقعیت حال حاضر است» (۱۷۷). همان‌طور که در پی‌رنگ رمان مشخص است، اگر حرکتی باشد تغییری هم رخ خواهد داد و تغییر خود ظهور امید را در پی دارد. در میانه‌ی داستان، همان‌طور که اشاره شد، جوزی با خود می‌گوید که ما تغییر می‌کنیم (۱۵۴) و در انتهای داستان، بیشتر شک‌ها، تردیدها و ترس‌ها از بین می‌رود، گویی از ذهن جوزی شسته می‌شود: «تردید دوامی نداشت، او می‌اندیشید که در مورد همه چیز حق با او بوده، این‌که ما می‌توانیم برویم. حق ماست که بگذاریم و بگذریم. و خیلی وقت‌ها باید رفت. تنها با ترک کردن بود که او و فرزندانش توانسته بودند چیزی مثل تعالی به دست بیاورند. بدون جابجایی [حرکت] هیچ تلاشی نیست، هیچ هدفی نیست، و بدون هدف هیچ چیز نیست» (۳۶۳) و «در حرکت چیزی هست» (۳۶۴). جوزی در طول داستان با حرکت روبه‌جلو و پشت سر گذاشتن آتش‌سوزی، طوفان، سرازیر شدن بهمن، شب‌گردی در جنگل، زندگی در کلبه و معدن متروکه و کنار جاده به مانند درختان کاج همیشه‌سبز که در آلاسکا به‌وفور دیده می‌شود، در آن سرزمین می‌ایستد و زندگی می‌کند و خود و کودکش به رشد اخلاقی می‌رسند. در این باب، لیلانی کلرک^۱ در «داستان شجاعت و ماجراجویی در قهرمانان مرزها اثر دیو اگرز» (۲۰۱۶) تأکید دارد که در این رمان، جنگل حیات وحش نیست که دلالت بر قانون بقای داروینی داشته باشد، بلکه عرصه‌ی پالایش است و آتش و زمین در آن بسی مهم‌تر

1. Leilani Clark

است از دنیای مادی و حریص برون‌شهری» و اشاره دارد که قسمت‌هایی از داستان شبیه حکایت ثورو^۱ است که در آن انسان موجودی وحشی، خشم‌آلود و درنده‌خو است و طبیعت منبع لایزال برای پیمایش دوباره‌ی قطب‌نمای اخلاقی» (۲۹۰).

برخلاف انتظار خوانندگانِ رمان‌های پسامدرن که پیوسته گمان می‌کنند جوزی و فرزندان‌ش دیگر نمی‌توانند ادامه بدهند، می‌شکنند، ناامید می‌شوند، از بالای صخره پرت می‌شوند، یک حیوان وحشی آن‌ها را می‌درد و دزدی یا مجرمی به آن‌ها صدمه می‌زند، جوزی در بلندای کوهستان پربرف، فریاد قدرت و پیروزی سر می‌دهد و حتی مجرمین و زندانیان هم به او در پنچرگیری ماشین‌اش کمک می‌کنند (۲۷۶). جوزی در نهایت احساس می‌کند که از پس تمام مسئولیت‌ها و پیمان‌هایش برآمده و احساس رضایت‌مندی می‌کند. جان لچز^۲ این احساس را این‌گونه توصیف می‌کند: «احساس رضایت‌مندی معقول از خویش همان‌طور که کانت آن را می‌نامد، از به‌دست آوردن آن‌چه از فرد انتظار می‌رود حاصل نمی‌گردد، بلکه از انتخاب، تصمیمات و اقدامات درست و به‌بترین نحو انجام دادنشان حاصل می‌شود. مسئله‌ی اصلی توافق با خویشتن است که وحدت وجودی فاعل را در اعمال کنترل بر خواسته‌ها نشان می‌دهد» (۳۶۸).

۵. نتیجه‌گیری

در این مقاله به تحلیل و بررسی مفاهیم اخلاق پراگماتیسم در رمان قهرمانان مرزها اثر دیو اگرنز، در بستر جامعه‌ی معاصر آمریکا که در حال گذر از عصر پسامدرن است و با تمرکز بر دیدگاه‌های جان دیویی پرداختیم. همان‌طور که مشاهده شد، این اثر نویدبخش روابط انسان‌دوستانه است، اعضای خانواده بار دیگر دور هم جمع می‌شوند، شخصیت داستان از خودبیگانگی و گسستگی به سمت انس با خود و اصلاح رفتارش سوق می‌یابد و معنای تازه‌ای به روابط خود با دیگران می‌بخشد. می‌توان گفت با قبول و اعتماد به روابط با دیگران، خویشتن در هم شکسته‌ی خود را بازسازی می‌کند و برای مشکلات راه‌حلی می‌یابد، یا راه سازگاری را درپیش می‌گیرد. شخصیت این داستان در واقع قهرمانی است که با رویارویی با مشکلات فردی و اجتماعی و تحمل سختی‌ها و روان‌زخم‌هایی نظیر خیانت، خشونت محیط، بد-والدی، قضاوت‌های اشتباه در زندگی، به‌مثابه‌ی یک هم‌نهیستگر عمل می‌کند و در پی حصول تصور اخلاقی تجربه-محور با در

1. Henry David Thoreau

2. John Lachs

نظرگرفتن شرایط و موقعیت انسان‌های دیگر، تصمیمات و سنجش‌های اخلاقی نسبتاً مناسبی را برمی‌گزیند.

اخلاق دیویی در باب تجربه، عادات اخلاقی، سنجش اخلاقی، شرایط محیطی و اجتماعی، پاسخ‌گوی مشکلات فردی و اجتماعی جامعه‌ی پسامدرن است. در موقعیت‌های غامض، القاء انگیزه‌ی تفحص و تجربه، منجر به شکل‌گیری عادات جدید می‌شود و این عادات خود شیوه‌های نوین تأمل، باور و عمل را شامل می‌شود. سنجش اخلاقی در فلسفه‌ی دیویی زمانی حادث می‌شود که راه‌ها و ابزارهای معمول برای حل مشکلات کارایی لازم را ندارد. فرد توان حل مسئله و یا انتخاب بهتر را از طریق سنجش افراد و شرایط محیطی-اجتماعی به‌همراه تصور نتایج انتخاب‌های دیگر پیدا می‌کند.

به نظر می‌رسد در عصر حاضر، فلسفه‌ی اخلاق پراگماتیسم برای نقش برجسته‌ای که به تجربه، عمل و غایت نسبت می‌دهد، به موضع قبلی خود، یعنی «فلسفه‌ی جاودان آمریکا» بازگشته است. اگرچه پراگماتیسم و پسامدرنیسم تفکر دوگانه و تمایز بین ذهن و بدن، حقیقت و واقعیت را رد می‌کنند، اما همان‌طور که لری هیگمن اشاره می‌کند تفاوت چشم‌گیر این دو در آن است که نسبی‌گرایی در پسامدرنیسم به‌حدی افراطی است که برای دوباره‌سازی ناتوان است و همین امر زمینه‌ی افول آن را فراهم کرده است (۲۵۴)؛ حال آن‌که فلسفه‌ی پراگماتیسم با رونمایی از گزینه‌ی «خوداصلاحی» پاسخ‌گوی مشکلات ساختارشکنانه‌ی پسامدرنیسم شده است. اکنون با تحلیل و کاربست رویکرد پراگماتیستی در اخلاق نوین که در رمان معاصر قهرمانان مرزها انجام شد، می‌توان گفت که اخلاق پراگماتیسم ره‌آوردی چون امید، خوداصلاحی و بازسازی را در خود جای داده که در پسامدرنیسم فقدان آن‌ها پیوسته احساس می‌شود.

Streaks of Pragmatic Moral Imagination in Post-post-modern Fiction: A Study of Deweyan Philosophy in Dave Eggers' *Heroes of the Frontier*

Narges Montakhabi Bakh¹, Fatemeh Esmacili²

Abstract

Introduction: Although several theorists, critics, and philosophers have acknowledged the recent ethical turn in the novel and literary criticism since the last two decades, the quiddity of illustrated morality remains vague and needs further research. Thus, the present article endeavors to evaluate the new moral matrix in *Heroes of the Frontier* (2016) by Dave Eggers, indicating the end of the postmodern era. Indeed, this novel demonstrates a world in which people face plights of postmodernism caused by egoism and consumerism. However, in the rest of the novel, a wondrous ethical turn occurs which has never been detected before and needs to be examined in detail. Since this is a situational, experimental, and posterior morality, the researchers aim to study the aforementioned novel under the light of John Dewey's pragmatic ethics based on "moral inquiry", "experience", "imagination", "situation", and "meliorism". This research also demonstrates that moral imagination could solve the individual and social problems in postmodern society, which can lead to moral evolution, growth, self-correction, reconstruction, and advent of hope.

Introduction

Several contemporary philosophers and theorists such as Alasdair MacIntyre, Terry Eagleton, and Andrew Gibson highlight the moral turn in contemporary literature. Accordingly, some contemporary American works of literature show discontinuities with postmodernism since they embody a version of new literature, which is going to blossom soon. Among the works of authors such as Dave Eggers, Jonathan Franzen, Amy M. Homes, and Barbara Kingsolver, a type of ethical turn could be traced. Therefore,

1.Ph.D. Candidate, Department of English Language and Literature, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

2.Assistant Professor, Department of English Language and Literature, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran (Corresponding Author)

Dave Eggers's *Heroes of the Frontiers* (2016) is selected for the present study. This novel illustrates the epitome of the postmodern world where people encounter countless plights as a result of disappointing culture, alienation, egoism, and consumerism.

Background of Study

In the last two decades, a couple of philosophical publications have started to deal with the possibility of pragmatist epistemology based on situational morality and moral imagination. As Ryan White admits in *The Hidden God: Pragmatism and Posthumanism in American Thought* (2015), pragmatism sets forth presuming subjective, historical, situational and contextual boundaries of thoughts, regarding experience and practice, which reveal its posthumanist form of philosophy. Larry Hickman, also, in a book from the American philosophy series, *Pragmatism as Post-Postmodernism: Lessons from John Dewey* (2007), compares pragmatism and postmodernism and admits pragmatism as a new way of life as it provides some solutions to the plights of postmodernism. *Pragmatism, Postmodernism and the Future of Philosophy* (2002) written by John J. Stuhr tries to illustrate a new model of pragmatism and the discussions on truth, epistemological problems, facts, values, and the models of self and social interpretations.

Approach and Methodology

John Dewey (1859-1952), a philosopher, psychologist, educator, social critic, and political activist, was a founder of the philosophical movement known as pragmatism in the United States. Since pragmatism is chiefly based on his theories, even Richard Rorty's neopragmatism is also developed according to his principles. Indeed, he is a nominalist who dismisses absolute and universal good, except for a given situation or purpose. According to him, moral deliberation is fundamentally imaginative, experimental, and part of a social and historical context. Another significant issue in his moral inquiry is moral imagination. The second phase of the moral inquiry, envisioning the possibilities, involves a process of rehearsal, or "imaginative dramatic performance". Finally, it should be noted that goodness is not a priori ethics or a predetermined goal, rather is the result of solutions to problems, improving our situation. His ethics copes

with the very notion of “growth”, moving forward, consistent process of maturing, refining, and active process of transforming the existent situation.

Conclusion

This article has presented how Dave Eggers’ *Heroes*, contributes to pragmatic ethics particularly Deweyan moral concepts, as a work of fiction illustrating contemporary America which is passing the postmodern era. Overall, such notions as imagination, experience, social life, environment, and growth highlighted in this novel, correspond in recognizable ways to the basic definition of moral imagination. Josie and her children achieve consistency, integrity, love, and self-redescription, though they do not acquire them effortlessly. Josie, as a synthesizer of values, overcomes the loss and trauma of being betrayed and parenting during the novel and breaks through into an epiphanic moral imagination amid frigid mountains. Pragmatism attributes a central role to experience, action, and results. Although pragmatism and postmodernism both dismiss the duality of mind and the body or the split between reality and truth, the significant difference between them, as Larry Hickman notes, is the extreme relativism in postmodernism to the extent that it is unable to propose any alternatives which bring its decline as well (254). Nevertheless, the pragmatists’ noteworthy option to reconstruct is “self-correction” which postmodernism failed to embrace. Pragmatism with such offspring as hope and self-correction is a way of life in the contemporary era.

Key Terms: Ethical Turn, Dave Eggers, Pragmatism, Moral Imagination, Experience, Environment, Meliorism

References

- Ahi, Mohammad, and Fatemeh Mehrabani Mamdooh. “Pragmatism in *Kalileh and Demneh*.” *Literary Text Research*, vol. 18, no. 61, 2014, pp. 63-82.
- Bex, Sean. “Particularizing the Universal: Dave Eggers Writes Human Rights.” *Journal of Human Rights*, vol. 15, no. 1, 2016, pp. 79-97.
- Bidgoli, Mehrdad, and Shamsoddin Royanian. “Shakespeare’s Position in Levi-

- nas's Philosophy." *Critical Language and Theory Studies*. Shahid Beheshti University. vol.15, no.21, 2019, pp. 57-96.
- Clark, Leilani. "Tales of Daring and Adventure in Dave Eggers' *Heroes of the Frontier*." *KQED Inc*, 2016.
 - www.kqed.org/arts/11867732/tales-of-daring-and-adventure-in-dave-egg-ers-heroes-of-the-frontier.
 - Clements, James. "Trust Your Makers of Things: The Metafictional Pact in Dave Eggers' *You Shall Know Our Velocity*." *Critique: Studies in Contemporary Fiction*, vol. 56, no. 2, 2015, pp. 121-137.
 - Dewey, John. *Experience and Nature*. George Allen and Unwin LTD, 1929.
 - Dewey, John. *Human Nature and Conduct: An Introduction to Social Psychology*. The Random House, 1922.
 - Dewey, John. *Logic: The Theory of Inquiry*. Henry Holt and Company, 1939.
 - Dewey, John. "Moral Judgement and Knowledge." *The Later Works 1925-1953: 1932 Ethics*, vol.7, Southern Illinois University Press, 1985, pp. 262-284.
 - Dewey, John. *Principles of Instrumental Logic: John Dewey's Lectures in Ethics and Political Ethics 1895-1896*, edited by Donald F. Koch, Southern Illinois University, 2008.
 - Dewey, John. *Reconstruction in Philosophy*. Henry Holt and Company, 1920.
 - Dewey, John. *The Early Works 1882-1898: 1895-1898*. vol. 5, Southern Illinois University Press, 1972.
 - Dewey, John. *The Influence of Darwin on Philosophy and Other Essays*. Prometheus, 1997.
 - Dewey, John. *The Later Works 1925-1953: 1929*. vol. 4, edited by Jo Ann Boydston, Southern Illinois University Press, 2008.
 - Dewey, John. *The Middle Works 1899-1924: 1916-1917*. vol. 10, edited by Jo Ann Boydston, Southern Illinois University Press, 2008.
 - Dewey, John. *The Middle Works 1899-1924: 1918-1919*. vol. 11, edited by Jo

- Ann Boydston, Southern Illinois University Press, 2008.
- Dewey, John. "The Place of Reason in the Moral life." *The Middle Works 1899-1924: Ethics 1908*, vol. 5, Southern Illinois University Press, 1983, pp. 278-304.
 - Eggers, Dave. *A Heartbreaking Work of Staggering Genius*. Vintage Books, 2001.
 - Eggers, Dave. "Author Dave Eggers." Interview conducted by Claire Suddath. *Time*, 2009.
 - Eggers, Dave. "Author Dave Eggers Calls for Ethical Parameters on Tech at Stanford Event." Interview conducted by Tanu Wakefield, Stanford News, 2014.
 - Eggers, Dave. *Heroes of the Frontier*. Alfred A. Knopf, 2016.
 - Fesmire, Steven. *John Dewey and Moral Imagination: Pragmatism in Ethics*. Indiana University Press, 2003.
 - Ghasemi, Azam, and Hamid Reza Ayatollahi. "The Critical Inquiry of the Philosophical Foundations of the Ethical Views of John Dewey." *Ethics in Science and Technology*, vol. 2, no. 1-2, 2007, pp. 31-41.
 - Gibson, Andrew. *Postmodernity, Ethics and the Novel from Leavis to Levinas*. Routledge, 2001.
 - Grimstad, Paul. *Experience and Experimental Writing: Literary Pragmatism from Emerson to the Jameses*. Oxford University Press, 2013.
 - Hickman, Larry A. *Pragmatism as Post-postmodernism: Lessons from John Dewey* (American Philosophy), Fordham University Press, 2007.
 - Hildebrand, David. L. *Beyond Realism and Antirealism: John Dewey and the Neopragmatists*. Nashville, 2003.
 - Hook, Sidney, "Dewey as A philosopher of Growth." *Journal of Philosophy*, vol. 56, no. 26, 1959, pp. 1010-1081.
 - Lachs, John. *Freedom and Limits*. Edited by Patrick Shade, Fordham University Press, 2014.
 - LaFollette, Hugh. "Pragmatic Ethics." *Blackwell Guide to Ethical Theory*. Blackwell, 1997, pp. 400-419.

- MacIntyre, Alasdair. *Three Rival Versions of Moral Inquiry: Encyclopedia, Genealogy and Tradition*. Duckworth, 1990, pp. 172–73.
- Montakhabi Bakhtvar, Narges. “Language, Ethics, and Identity in Postmodern Theater.” *Critical Language and Theory Studies*. Shahid Beheshti University. vol. 13, no. 17, 2017, pp. 245-268.
- Pignagnoli, Virginia. “Surveillance in Post-Postmodern American Fiction: Dave Eggers’ *The Circle*, Jonathan Franzen’s *Purity* and Gary Steinhart’s *Super Sad True Love Story*.” *Spaces of Surveillance: States and Selves*, edited by Susan Flynn and Antonia Mackay, 2017, 151-167.
- Stuhr, John J. *Pragmatism, Postmodernism, and the Future of Philosophy*. Routledge, 2003.
- Tandt, Christophe Den. “Pragmatic Commitments: Postmodern Realism in Don DeLillo, Maxine Hong Kingston, and James Ellroy.” *Beyond Postmodernism: Reassessments in Literature, Theory, and Culture*, edited by Klaus Stierstorfer, Walter de Gruyter, 2003, pp. 121-142.
- White, Ryan. *The Hidden God: Pragmatism and Posthumanism in American Thought*. Columbia University Press, 2015.
-